



چهارشنبه، 26 مهر 1391 - شماره 2521

روزنامه

صفحه نخست :: روزنامه :: صفحه نخست

عناوین این صفحه

- ما گوش به فرمان سنت نیستیم
- اعتراض به تخریب چهره‌های ملی
- میز مذاکره را ترک نکرده بودیم که بازگردیم
- مهار ترکیه حفظ سوریه در جبهه خودی
- روحانیون مبارز و نوگرایی اندیشه دینی
- درباره آوازمخوان طاس وقتی به ریش خودت می‌خندی
- مگر چه اتفاقی برای فوتبال افتاده؟

آرشیو نسخه وب سایت
www.etemaad.com

آرشیو نسخه پی.دی.اف
www.etemaad.com

از مرورگر استفاده شود

گفتوگو با همایون شجریان و سهراب پورناظری به بهانه کنسرت آیینه‌ها
ما گوش به فرمان سنت نیستیم



عکس: دانیال شایکان

گروه ادب و هنر | امیر بهاری

امروز همایون شجریان به عنوان خوانندگویی توانمند توانسته به شایستگی حسابش را از پدر جدا کند. سایه استاد شجریان آنقدر سنگین است که بیرون آمدن از آن برای کسی که همخون اوست، بسیار دشوار است؛ سایه‌یی که خیلی از شاگردانش از آن بیرون نیامدند ولی همایون بر این امر تا حدود زیادی فائق شده و امروز راهی را می‌رود که شخصا برای خود تعریف کرده است هرچند ظاهراً پدر هم از این طریق پسر ناراضی نیست. سهراب پورناظری فرزند کیخسرو پورناظری هم نام نامی پدرش را بر خود دارد. و البته اینکه سهراب امروز مسیر تازیمی می‌رود، برای او کمی آسان‌تر بوده. چراکه کیخسرو با وجود سن و سالش، گروه شمس را با انگیزه ورود به فضاهای تجربه‌نشدگی به راه انداخته و به گواه سلوک و اعتبار گروه شمس، این راه را با موفقیت پیموه و البته هر دو فرزندش هم در این مسیر با او همراه بوده‌اند. سهراب پسر کوچک خانواده است و چه در آهنگسازی و چه در نوازندگی میل به گسست از پیشینیانش دارد و البته معتقد است که آگاهی لازمه این گسست است. همایون شجریان در همراهی با گروه تازه‌تاسیس سیاوش (که ای کاش عمرش بسان عمر دیگر گروه‌های سنتی کوتاه نباشد و البته اگر هم دوام دارد، به خلاف عمده گروه‌های سنتی دوام با قوامی داشته باشد) در چهار شب (هشت اجرا) بیش از 13 هزار مخاطب را تجربه کرد. این آمار برای اجرایی بر مبنای موسیقی سنتی بسیار چشمگیر است و نشان از مقبولیت همایون شجریان و خانواده پورناظری‌ها نزد مردم دارد. همایون شجریان باز دست به تجربه تازیمی زد و جدای از حضور در ارکستری که ساز کنترباس و پرکاشن (کوبه‌یی‌هایی که همایون نصیری می‌نوازد) دارد، در بخش اول با ساز تنبور تصنیف خواند؛ تصنیف‌هایی که تحت عنوان «مقام اصفهان» ارائه شدند. بخش اول این اجرا با صدای مسلط همایون شجریان و اجرای پرفراز و فرود گروه سیاوش تأثیر دوچندان بر مخاطبان اجرا داشت و همایون شجریان از این تجربه سربلند بیرون آمد. سهراب پورناظری سعی در ارائه تصویر تازیمی از ساز تنبور داشت و با نگاه تازیمی که وامدار گروه شمس است، در این اجرا نوازندگی کرد مضاف بر اینکه در

علی لاریجانی: وقتی رجال ملی تخریب شوند و بحرانی به وجود بیاید کسی نیست که بحران را حل کند

اعتراض به تخریب چهره‌های ملی

کروه سیاسی | شمینا رستکاری

علی لاریجانی، رییس مجلس شورای اسلامی که اخیرا مورد انتقادات صریح محمود احمدی‌نژاد قرار گرفته و نامش به عنوان یکی از کسانی که در شرایط به وجود آمده فعلی سهیمند در نشست خبری رییس‌جمهور مطرح شده، در گفت‌وگو با خبرنگاری فارس به سخنان او پاسخ داد. جالب است به یاد بیاوریم که احمدی‌نژاد در آخرین نشست خبری خود این خبرنگاری را به ایجاد جنگ روانی و وابستگی به نهادهای اطلاعاتی و امنیتی متهم کرد و فردای همان روز لاریجانی خبرنگار افتخاری فارس شد. حالا هنوز یک ماه از آن نشست نگذشته که لاریجانی به آن ادعاها پاسخ داده است. او با اشاره به برخی مجادلات در فضای سیاسی کشور، با بیان اینکه عقل حکم نمی‌کند که ما ظرفیت‌سوزی کنیم، گفت: استنباط من این است که عدیبه در کشور هنرشان این است که ظرفیت‌سوزی کنند؛ کشوری که رجال ملی نداشته باشد مثل این است که منبع نفتی نداشته باشد. گاهی من واقعا تاسف می‌خورم که در کشور ما تخریب رجال ملی را امری پهلوانانه قلمداد می‌کنند. البته این تخریب‌ها از طرف کسانی است که ظاهرا حضور افراد با کفایت جای آنها را تنگ می‌کند. وقتی رجال ملی تخریب شوند و بحرانی به وجود بیاید کسی نیست که بحران را حل کند و این نکته‌ی که گفتم نکته‌ی کلی است و به اعتقاد من در همه زمان‌ها باید به این نکته توجه داشت. رییس قوه مقننه با بیان اینکه سپهر اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی انقدر وسیع است که افراد مختلف را در آغوش خودش بگیرد، تصریح کرد: اگر یک نفر اصرار دارد که از قطار انقلاب بیرون بپرد بحث دیگری است اما انقلاب اسلامی ظرفیت‌سوز نیست بلکه ظرفیت‌ساز است. من با این روش‌ها که برخی‌ها در کشور رایج می‌کنند و توپخانه سیاسی روی افراد می‌گذارند موافق نیستم و این را مضر می‌دانم. لاریجانی در این مصاحبه به دودو کردن نمایندگان هنگام دفاع احمدی‌نژاد از وزیر ورزش اشاره کرد و گفت: «زمانی رهبر انقلاب فرمودند که چرا نمایندگان در مجلس دودو می‌کنند؛ این نکته مهمی بود، چرا که باید به افراد مجال داد تا حرف بزنند و حتی رهبری در این رابطه فرمودند که بگذارید حتی حرف غیر منطقی زده شود. اشکالی ندارد، اما قرار دادن توپخانه سیاسی روی افراد باعث می‌شود که افراد نتوانند حرف‌شان را بزنند و این مساله نفعی هم برای کشور ندارد.» لاریجانی انتقادات خود به تخریب رجال را در همین حد محدود می‌کند، چرا که به خوبی می‌داند کارنامه مخاطب حرفش به سال‌های گذشته هم مربوط است و شامل تخریب رجل دیگر هم می‌شود، به همین دلیل در همین نقطه راه را بر ادامه بحث می‌بندد و به سال 88 که می‌رسد خودش در جایگاه تخریب رجال می‌ایستد و می‌گوید البته در انتخابات سال 88 عدیبه با ناسپاسی از ظرفیت انقلاب اسلامی سوءاستفاده کردند و قصد داشتند فضا را آشفته کنند و در این فضا قطعا برخی افراد دیگر سوءاستفاده می‌کردند که این مساله ضایعاتی هم برای کشور داشت. در این زمان چند نوع برخورد وجود داشت. یک نوع برخورد این بود که صفا جدا شود که فضا رو به آرامش برود و یک نوع برخورد دیگر هم این بود که دو طرف تیراندازی راه ببندند. به اعتقاد من معقول‌تر این بود که فضا آرام شود و منطق دو طرف روشن باشد کما اینکه در حال حاضر این طور است و تقریبا فضا معلوم است. ولی در آن زمان بعضی‌ها نمی‌گذاشتند که این اتفاق بیفتد. لاریجانی با مقایسه اعتراضات مدنی سال 88 و مبارزه مسلحانه مخالفان بشار اسد می‌گوید: در مساله سوریه هم ما از ابتدا می‌گفتیم که اجازه دهید فضا آرام شود تا اصلاحات صورت بگیرد ولی عدیبه می‌گفتند که ما باید جنگ راه بیندازیم تا اصلاحات صورت بگیرد و ما با این مخالفیم، چرا که در جنگ نمی‌توان اصلاحات صورت داد. فضای اصلاحات سیاسی همیشه نیازمند آرامش است. لاریجانی که در دوره اصلاحات رییس سازمان صداوسیما و یکی از کسانی بود که از طرف دوم خردادی‌ها متهم به تبدیل رسانه ملی به رسانه میلی بود با بیان اینکه همین اشتباه در دوران دوم خرداد هم وجود داشت، اضافه کرد: در آن زمان که آقایان سر کار آمدند باید در چارچوب نظام حرکت می‌کردند ولی شروع به شلیک و تیراندازی سیاسی کردند. وی در پاسخ به سوال خبرنگار فارس که آیا در آن زمان مشی شما فرق نداشت، اظهار داشت: نه؛ این طور نیست، تا وقتی که آقایان در چارچوب کار کنند ما مشکلی نداریم چنانچه در مناظرات صدا و سیما برخی افراد هم شرکت می‌کردند، ما از طرح فکر ابایی نداشتیم. در آن زمان آیت‌الله مصباح و آقای حجتی‌کرمانی مسائل مهمی را در صدا و سیما مطرح می‌کردند و برنامه هم به صورت زنده

پخش می‌شد. لاریجانی اظهار داشت: وقتی آقایان در مجلس تحصن کردند رفتارشان غلط بود و این رفتار به معنای شلیک و تیراندازی قلمداد می‌شود. آقایان در آن زمان اعتقاد به اصلاحات سیاسی داشتند منتها می‌خواستند این اصلاحات با توپخانه انجام شود و در حال حاضر هم این طور است؛ اگر کسی حرف حسابی دارد باید به او مجال داد ولی اگر برخی می‌خواهند درگیری سیاسی ایجاد کنند باید بدانند که در درگیری سیاسی اصلاحات به وجود نمی‌آید.

رهبر معظم انقلاب:

میز مذاکره را ترک نکرده بودیم که بازگردیم

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح روز گذشته در دیدار «برگزیدگان قشرها و صنوف مختلف»، و مسوولان اداری استان خراسان شمالی، خدمت بی‌منت به آحاد مردم را نعمتی الهی برای مسوولان کشور خواندند و با اشاره به خدعه تبلیغاتی - سیاسی رسانه‌های غربی درباره علت فشارها بر ایران تاکید کردند: برخلاف دروغ‌های مکرر غربی‌ها، ما میز مذاکره درباره مسائل گوناگون از جمله هسته‌ی را ترک نکرده بودیم که به آن بازگردیم، آنها در واقع تسلیم شدن ملت ایران را دنبال می‌کنند اما کوچکتر از این حرف‌ها هستند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خدمتگزار به مردم را افتخاری حقیقی دانستند و افزودند: بزرگان اهل معرفت، ضمن تاکید فراوان به نکر و عبادات و توکل، گاه خدمت به مردم را به عبادات

اینکه کار مضاعف در پرکاری خلاصه نمی‌شود بلکه به معنای «کار کیفی، دقیق، برنامه‌ریزی شده، کارشناسی شده، مستمر، پیگیر و همراه با مشورت» است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با اشاره به نیاز جدی کشور به کار و تلاش خاطرنشان کردند: دشمن هرگاه، ضعفی را در کشور احساس کند روحیه می‌گیرد و آماده هجوم و فشار می‌شود و هر وقت کار و حرکت موثر و بزرگی را ببیند با ناامیدی درصدد تحت شعاع قرار دادن آن برمی‌آید. بنابراین همه به‌ویژه مدیران و مسوولان کشور با کار و تلاش بی‌وقفه، روحیه امید و نشاط را در جامعه تقویت کنند. ایشان در همین زمینه بار دیگر این واقعیت را خاطرنشان کردند که: هر حرکتی که نشان‌دهنده یأس و خستگی و اختلاف باشد بدون تردید به ضرر «مصالح کشور و پیشرفت و عزت ملی» است. رهبر معظم انقلاب، رشد و پیشرفت دهها برابری ایران در 33 سال اخیر را که به رغم همه فشارها، تهدیدها و توطئه‌های دشمنان صورت گرفته نشان‌دهنده وجود یک نیروی «درونی، سازنده و حقیقی در کشور» دانستند و افزودند: این واقعیت مشهود و انکارناپذیر، نشان می‌دهد که ما در مقابله با دشمنان، دستمان پر است و می‌توانیم بر آنها غلبه کنیم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به پیشرفت خوب در ادبیات مقابله با زورگویان جهانی افزودند: یکی از عرصه‌های پیکار با دشمنان، عرصه حرف زدن‌های بین المللی است که مسوولان ما امروز در پشت میز مذاکرات گوناگون و تریبون‌ها، حرف‌های پخته، جامع، جالب و درست می‌زنند. ایشان با یادآوری تسلط صهیونیست‌ها بر اغلب رسانه‌های غربی و اروپایی افزودند: این رسانه‌ها به‌گونه‌ی خیرسازی، جهت‌سازی و تلقین می‌کنند که حتی سیاستمداران غربی نیز تحت تاثیر القانات آنها قرار می‌گیرند که این نکته مهمی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تبلیغات رایج در رسانه‌های غربی - صهیونیستی افزودند: آنها در یک خدعه و تقلب تبلیغاتی، مدام می‌گویند علت فشارها به ایران وادار کردن جمهوری اسلامی به بازگشت به پای میز مذاکره است اما ما میز مذاکره درباره مسائل گوناگون از جمله هسته‌یی را چه زمانی ترک کرده بودیم که حالا برگردیم؟ ایشان افزودند: هدف واقعی کسانی که این فرمول تبلیغات سیاسی را دنبال می‌کنند، تسلیم شدن ملت ایران در پای میز مذاکرات است و ما به آنها می‌گوییم: شما کوچکتر از آن هستید که ملت مبارز، بصیر و آگاه ایران را در مقابل خواسته‌های خود به زانو در آورید. رهبر انقلاب افزودند: مقامات اروپایی همچنان در فضای قرن نوزدهم و دوران زورگویی‌های استعماری به سر می‌برند اما بدانند که تسلیم نشدن ملت و مسوولان ایران در مقابل زورگویی‌ها، همچنان آنان را با مشکلات فراوان مواجه خواهد کرد. رهبر انقلاب استحکام درونی را موجب قوت و استحکام ظاهری خواندند و افزودند: به علت همین استحکام، امروز سخن نوي جمهوری اسلامی، از جمله مردم‌سالاری و مقابله با زورگویی، بر حرکت ملتها تاثیرگذار شده و همین مساله مستکبران را دستپاچه کرده است که این روند به فضل الهی ادامه خواهد داشت. ایشان همچنین در بخش دیگری از سخنان‌شان، مسوولان استان خراسان شمالی را به برنامه‌ریزی و تلاش مستمر برای ارتقای وضع عمومی استان فراخواندند و افزودند: ظرفیت‌های خوب انسانی، طبیعی و اقلیمی خراسان شمالی، نشان می‌دهد این منطقه در صورت «برنامه‌ریزی، همت و کار بی‌وقفه مسوولان و همراهی مردم»، می‌تواند جزو ده استان برتر کشور قرار گیرد و زندگی شایسته‌یی را برای مردم با ایمان و صادق خراسان شمالی رقم بزند. رهبر انقلاب، پیگیری مسوولان، تعیین مقطع زمانی مشخص برای تحقق برنامه‌ها و اولویت‌بندی را از ضروریات پیشرفت خراسان شمالی برشمردند و افزودند: با توجه به زمینه‌های مساعد موجود، کشاورزی مهمترین اولویت این استان است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی را گامی موثر در پیشرفت استان خواندند و افزودند: «صنعتی و مدرن شدن» کشاورزی و باغداری، ایجاد صنایع تبدیلی و ساختارسازی برای توزیع و بازرگانی، شتاب توسعه استان را مضاعف خواهد کرد. توجه به صنعت، برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت فراوان گردشگری استان، بهره‌مندی از مزیت قرار گرفتن استان در مسیر میلیون‌ها زائر حرم امام هشتم(ع) و تمرکز بر مسائل تحقیقاتی و پژوهشی از دیگر نکاتی بود که رهبر انقلاب برای پیشرفت و توسعه خراسان شمالی و حل مشکلات این منطقه به مسوولان توصیه کردند.

مهار ترکیه حفظ سوریه در جبهه خودی

جهانگیر کریمی



در مورد ژرفا و ریشه‌های تنش بین ترکیه و روسیه باید به سابقه تاریخی اختلافات امپراتوری عثمانی و روسیه بر سر بالکان، که یک منطقه اسلاوی- ارتدوکسی و حوزه نفوذ سنتی تزارها بوده و هم حوزه دریای سیاه و شبه جزیره کریمه که تا اواخر قرن نوزدهم در قلمرو نفوذ امپراتوری عثمانی بوده است، بازگشت. اما بعد از تحولات منطقه خاورمیانه و بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه به تدریج مسائلی مطرح شد که روابط دو کشور را تیره و تیرتر کرد. ترکیه در اردوگاه غرب قرار گرفت و در طرح‌های عربی و غربی شرکت کرد و به ویژه در جریان سوریه، ترکیه برخلاف همه توافقات و روابط گذشته با دولت سوریه به مخالفین پیوست و به مرکز جریان‌های مخالف و نیروهای برانداز و ارتش مخالفین در مقابل دولت سوریه تبدیل شد. این رویکرد از نگاه روس‌ها به‌شدت بدبینانه ارزیابی شد. از این جهت که ترکیه با این اقدامات نه تنها یک متحد سنتی و دیرینه روسیه را به چالش طلبید -که این متحد دیرینه محل تنها پایگاه دریایی روسیه در خارج از مرزهای این کشور هم هست- بلکه آنچه برای دولت روسیه بسیار اهمیت دارد این است که چنانچه دولت ترکیه بتواند در پروسه سقوط دولت سوریه نقش مهمی بازی کند، طبیعتاً قدرت ترکیه در معادلات آینده خاورمیانه افزایش پیدا خواهد کرد و این افزایش قدرت به نوعی در میانمدت و بلندمدت ترکیه را رقیب روسیه هم خواهد کرد. به عبارتی، نقش ترکیه‌یی که قبلاً به وسیله موازنه سوریه - ترکی توسط روسیه کنترل می‌شد، اگر دیگر توسط این موازنه قابل کنترل نباشد

طبیعتاً چنانچه این اتفاق بیفتد، فشارها بر جمهوری اسلامی ایران نیز افزوده می‌شود و روسیه از بابت این فشارها بر ایران و نیز فشارهایی که بعداً بر ارمنستان وارد خواهد آمد به شدت احساس نگرانی می‌کند. روسیه در درجه اول می‌خواهد ساختار حکومتی فعلی در درون سوریه تا آنجا که ممکن است حفظ شود و در مرحله بعد.

هر تحوّل در درون این ساختار صورت بگیرد و نه از بیرون. به عبارتی روسیه لزوماً مخالف تغییر در سوریه نیست. اما آنها می‌خواهند در این پروسه تغییر و اصلاحات تدریجی صورت بگیرد و در این پروسه تغییر روس‌ها نقش داشته باشند. حتی امکان جوی اقدام نظامی ناتو را بگیرند و اجازه ندهند که ناتو یک تجربه دیگر از دخالت نظامی در امور داخلی کشورها را تکرار کند. روس‌ها امیدوارند در این تغییر تدریجی منافع و ملاحظات روسیه هم تا حد ممکن لحاظ شود. از همه مهمتر اینکه در این پروسه ترکیه نقش‌آفرین اصلی نباشد. شاید نگرانی اصلی روس‌ها این باشد. علاوه بر این روس‌ها نگران قدرت گرفتن اسلامگرایان سلفی در سوریه هستند. روس‌ها معتقدند می‌توانند با طرف غربی در این زمینه به توافقاتی رسید که حکومت آتی سوریه در دست اسلامگرایان سلفی نیفتد که در این صورت، پیامدهای خطرناکی برای روسیه در پی خواهد داشت.

استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل روسیه

روحانیون مبارز و نوگرایی اندیشه دینی

نصرت‌الله تاجیک

من معتقدم دانشجویان مسلمان به طور عام و انجمن‌های اسلامی به طور خاص که از سال 1327 شروع به شکل‌گیری کرده‌اند در نوگرایی اندیشه دینی در دانشگاه‌ها و جامعه تاثیر بسزایی داشته‌اند. با بررسی روند شکل‌گیری و فعالیت این انجمن‌ها به عنوان یکی از اولین نهادهای جامعه مدنی در ایران تا تحولات سال‌های 39 و 40 متوجه این نکته شدم که در کنار مبارزات جنبش دانشجویی نمی‌توان از شکل‌گیری یک حرکت سیاسی مبارزاتی در میان روحانیت و مخصوصاً در قشر جوان و طلاب از اواسط دهه 30 و تاثیر متقابل این دو حرکت غفلت کرد. اگرچه پایگاه این جنبش مذهبی نو گرایی در تهران و مسجد هدایت بود و نقش راهبردی مرحوم آیت‌الله طالقانی در کنار همزمانش چون مرحوم دکتر سبحانی و مهندس بازرگان در روند نوگرایی اندیشه دینی و نیز افزایش روحیه و روند مبارزاتی ضد رژیم شاه تاثیر بسزایی داشت ولی تعدادی از این طلاب سیاسی و مبارز در این سال‌ها نقش اجتماعی خویش را در این مسجد که پایگاه روشنفکری و روشنگری دینی شده بود، یافتند و به جامعه سیاسی مبارزاتی پیوند خوردند. تا اینکه فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی و انتخاب مرجع تقلید بعدی هم دریچه‌ای از واقعیات جامعه مذهبی را پیش روی سیاسیون و مخصوصاً جوانان دانشجویی مذهبی باز کرد و هم باعث نزدیک شدن این دانشجویان و روحانیت سیاسی شد. دانشجویان که در این سال‌ها روند سیاسی مبارزاتی خود را در چارچوب تشکیلات انجمن اسلامی دانشجویان، نهضت مقاومت ملی و جبهه ملی طی کرده بودند با فعالیت فداییان اسلام که ضربه‌پذیری رژیم شاه را در دوران خفقان بعد از کودتای بیست و هشتم مرداد سال 1332 نشانه رفته بودند گرایش بیشتری به سمت روحانیون مبارز پیدا کرده بودند. مرحوم آیت‌الله بروجردی اگر چه تحوّل در حوزه علمیه قم به وجود آورده بود ولی این چیزی نبود که بتواند پاسخگویی عطش دانشجویان به عنوان قشری از جامعه و نیز خود جامعه به طور عام که دنبال تبیینی جدید از اسلام از جهت اندیشه و نیز نقش‌پذیری هدایت اجتماعی دین باشد. مخصوصاً پاسخ منفی ایشان به درخواست وساطت آیت‌الله طالقانی و امام خمینی (ره) برای جلوگیری از اعدام شهید نواب صفوی در سال 1336 روحانیت سیاسی را بیشتر به سمت نیروهای مبارزاتی آن زمان سوق داد.

ولی از طرف دیگر نیز همین نیاز جامعه بود که با وجود عدم تلاش یا تمهیدی برای پیدا کردن نقش مرجعیت توسط امام خمینی (ره) در این سال، این دسته از روحانیت با حضور خود در اطراف ایشان توانستند نقش اسلام سیاسی و مبارز را در تحولات اجتماعی به صورت بارزتری درآورده و باعث امید قشر دانشجویی و سایر نیروهای مبارز علیه شاه شوند. به نظر من مهمترین خصیصه ایشان از جهت رهبری تحولات سیاسی اجتماعی شجاعت و جرات اخذ تصمیمات خطیر بود که این روحیه اتفاقاً در عموم روحانیون سیاسی و مبارز نیز وجود داشت که بیشتر آنها نیز به دیار باقی شتافته‌اند و آخرین آنها می‌توانم به مرحوم آقای محی‌الدین انواری که از مبارزان فعال علیه رژیم سلطنتی بود، اشاره کنم. تا قبل از دهه 30 شمسی که مبارزات دانشجویی شکل و شدت یافت قلب مبارزه علیه رژیم شاه در بازار می‌تپید و در دوران جدید نیز پشتوانه مبارزات سیاسی اجتماعی دانشجویان بازار بود و چند نفر بودند که در روشن نگه داشتن شعله مبارزاتی بازار نقش تعیین‌کننده داشتند مانند آیت‌الله سیدرضا زنجانی بانی نهضت مقاومت ملی، مرحوم حاج شیخ جواد فومنی حائری، آیت‌الله طالقانی، و در مرحله بعدی مرحوم لاهوتی و... مرحوم انواری از فعالان قیام 15 خرداد 42 و عضو در شورای روحانیت هیات‌های مؤتلفه اسلامی و امام جماعت مسجد چهل تن بازار تهران از آن جمله بودند. باید در مقابل مسائل جامعه سعه صدر داشت و با چنین اخلاق نیکویی اسلام واقعی را به مردم نشان داد. تحمل، طاقت، نیاز و نیت افراد جامعه متفاوت است، لذا خوشرویی را کنار مسوولیت‌پذیری و پاسخگویی قرار دادن می‌تواند به بسیاری از بی‌اخلاقی‌ها و تاملات سیاسی- اجتماعی رایج پایان دهد. خداوند مقام او و همه کسانی که اخلاق خوش دارند و با اخلاق نیکو دنبال رفیع حوایج مردم هستند را بلند گرداند تا نصب‌العین نسل جوان ما قرار داده شود. راهی است که همه می‌رویم و چه خوب که نیکنام و سبکیال برویم.

لیلی گلستان

یادم می‌آید روزی که اوژن یونسکو به ایران آمده بود (شاید در جریان یکی از جشن هنرها بود. درست یادم نیست) و برای دیدار چند نفر دست‌اندرکار فرهنگ و هنر به خانه پدرم آمده بود و من هم که نخود تمام این‌جور آش‌ها هستم! خودم را رسانده بودم یا انداخته بودم. به یونسکو گفتم از همه کارهایتان، «آوازمخوان طاس» را بیشتر دوست دارم و تا به حال چندین بار آن را خوانده‌ام و هر بار بسیار خندیده‌ام از بس که عین خودمان است. از اینکه نمایشنامه‌اش را فهمیده بودم، تشکر کرد و من هم بسیار به خود غره شدم. (جوان بودم و غره شدنم قابل بخشش بود). هر بار که به پاریس می‌روم، برنامه‌های فرهنگی هنری آن هفته را جویا می‌شوم و اگر «آوازمخوان کچل» یا اوندین (نمایشنامه‌ی از ژان ژیرودو که خودم ترجمه‌اش کرده‌ام) روی صحنه بود را حتماً می‌روم. تا به حال شاید شش یا هفت بار آوازمخوان طاس یا کچل را در آن سویی آنها دیده‌ام. هفته گذشته اجرای آن را در تماشاخانه ایرانشهر با کارگردانی بهمن معتمدیان دیدم و بسیار لذت بردم. میزانشن بسیار حسابشده و فکرشده بود. بازی‌ها عالی بود، به ویژه بهار رهنما که چه خوب بازی کرد. با تمام وجود و انرژی‌اش بازی می‌کرد و آقای آتش‌نشان یعنی هوتن شکبیا که چه نرم حرکت می‌کرد. نوعی باله آرام. و دکور که خیلی معنا داشت. اجسام کش آمده و آویزانی که خود مضمون نمایشنامه بود و می‌رساند که پویا آریان‌پور که نقاش خوب و مطرحی است، چقدر مضمون نمایشنامه را خوب درک کرده و درست به اجرا درآورده است. فقط با کارهای ویدئویی کمی مشکل داشتم. حرکات تصاویر روی پرده اگر نرم‌تر بود و این همه مقطع نبود، بیشتر به دل می‌نشست. این اجرا نهنها هیچ دست کمی از اجراهای پیش از این دیده شده من نداشت بلکه از چند تای آنها هم بهتر بود. درباره پدیدویی به اسم امید روحانی هم هر چه بگویم، کم گفتم. دکتر متخصص بیهوشی که فیلم بازی می‌کند که نقد فیلم می‌نویسد که مصاحبه‌های بسیار خوبی می‌کند با اهل هنر و حالا هم سر از تئاتر درآورده است. خدا عاقبت ما و او را به خیر کند! در اینجا دست‌م‌ریزاد به تمام کسانی می‌گویم که بانی خیر شدند و ما را هم حسابی خندانند و هم حسابی در بحر تفکر فرو بردند. نمایشنامه‌های یونسکو از فرط پوچی خنددارند اما بعد از مدتی متوجه می‌شوی که در تمام این مدت به ریش خودت خندیدی و آن وقت است که فاجعه شروع می‌شود. و ادامه پیدا می‌کند و تمامی ندارد....

مگر چه اتفاقی برای فوتبال افتاده؟

علی عالی

1- این شکست‌ها و پیروزی‌ها و این امتیازات به دست آمده و از دست رفته، «حق» ما نیست. صعود کردن یا نکردن به جامجهانی هم دردی از فوتبال ایران درمان نمی‌کند چراکه پایه‌های ساختاری فوتبال ایران روی پوشال است و با ورزش نسیمی فرو خواهد ریخت. برای همین بازی‌های ملی برای امثال علی کفاشیان و مدیران ایرانی، «میدان» اثبات خودشان است درحالی که معیارهای مدیریت ربطی به این بازی‌ها ندارد. وضعیت امروز فوتبال ایران حلقه‌ی است از زنجیره اتفاقات بد گذشته که دست‌های همه را بسته است. با برد مقابل کره به «پیروزی توهمن» می‌رسیم و با تساوی یا شکست، «محکوم» خواهیم بود. فوتبال ایران مثل همه بخش‌های دیگر در مدیریت، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری ضعف دارد و آنگاه تحلیلگران فوتبال ایران بازی ایران و کره را سرفصل نتیجه‌گیری مدیران می‌دانند. از احمدی‌نژاد تا لاریجانی و حتی تلوژیون به‌گونه‌ی رفتار می‌کنند که گویا این بازی حیثیت فوتبال ایران است، درحالی که «علت» مشکلات فوتبال ایران در جایی دیگر است و برای حل آنها باید فکری اساسی کرد.

2- همان میزان که ظهور ستاره‌هایی نظیر محمد نصیری، حسین رضازاده، هادی ساعی، علی دایی و احسان حدادی نشانه پیشرفت و توسعه ورزش نبود؛ به‌همان میزان، پیروزی مقابل کره هم کمترین نشانه‌ی از «توسعه» فوتبال ایران ندارد. تفاوت فوتبال ایران و کره در بازی دیشب نیست، تفاوت در «نگاه» هاست، در نظم و برنامه و مدیریت‌های این دو کشور است. کره با سند چشم‌اندازش هر سه سال نسل فوتبالش را تغییر می‌دهد و برای ستاره‌های گرانباشته‌اش جایگزین دارد اما فوتبال ایران هنوز با علی کریمی و جواد نکونام می‌خواهد در آسیا تاثیرگذار باشد. کره و ژاپن از فوتبال آسیا پیشی گرفتند و فوتبال ایران حتی اگر بتواند توسعه فوتبال این دو کشور را متوقف هم کند، تا صد سال آینده و با وسیله‌ی تندرو هم به آنها نخواهد رسید. شکست‌های فوتبال ایران در همه زمینه‌ها فنی نیست، با بهترین مربیان دنیا هم کاری پیش نمی‌رود چراکه همه «ما» از لحاظ فرهنگی مشکل داریم، سیستمی «مریض» و «متوهم» که برای نفس کشیدن تقلا می‌کند. فوتبال ایران روزهای خاکستری را پشت‌سر می‌گذارد، مثل بخش‌های دیگر که کمترین کورسوی امیدی را نمی‌توان برایش انتظار داشت.

3- در عالم واقعیت، فوتبال ایران در بعد از انقلاب نه دولتی شد و نه به راه خصوصی‌سازی رفت. بهتر است بگوییم فوتبال ایران، نه مواهب اقتصاد دولتی را پیدا کرد و نه از مزیت‌های اقتصاد بخش خصوصی برخوردار شد. گویی هم دولتی بود و هم خصوصی، هم مالکیت و اعتبار بی‌حد و حصر در آن وجود داشت و هم دولت، هر وقت و هر زمان که اراده می‌کرد، مالکیت را از بیخ و بن قلع و قمع می‌کرد. هم بخش خصوصی وجود دارد و هم این دولت است که نفس‌های بخش خصوصی را می‌شمارد و کنترل کار به دست آنهاست. فوتبال ایران همین است. از این طرف رانده و از آن طرف مانده؛ فوتبال ایران در همه این سال‌ها نتوانست از مزیت‌های بخش خصوصی و دولتی بهره‌برد اما تا دل‌تال نخواهد از نقاط ضعف هر دو سیستم برخوردار شد. همین شد وضعیت امروز فوتبال ایران، «بی‌تکلیف» و پر از مدیرانی که

4-وقتي فوتبال ايران به جامجهاني 1978 صعود کرد، شش دوره قهرمان جوانان آسيا شده بود و حرف اول را در آسيا مي‌زد. هشت مربی خارجی باکيفيت در 16 تیم ليگ تخت جمشيد حضور داشتند و نقشي مهم در توسعه فوتبال ايران داشتند. آن زیرساخت منجر به صعود قدرتمندانه فوتبال ايران به جام جهانی شد، دقيقاً همانند اين روزهاي فوتبال کره و ژاپن که بدون دغدغه به جامجهاني مي‌روند. فوتبال و نتايجش براي کشورهاي توسعه‌يافته در اولويت پنجم يا ششم است، آنها به امکانات سخت‌افزاري و نرم‌افزاري، چگونگي درآمدزايي، مديريت و برنامه‌ريزي، ثبت تاريخ، هيجان و لذت در کنار هم بودن توجه مي‌کنند تا نتيجهاش را در بازي ببينند اما در ايران نتيجه بازي را اولويت اول هر مديرتي مي‌دانند! فوتبالي که همين ديروز دستشويي‌هاي ورزشگاه آزادي، صندلي‌هاي بي‌شماره و معطلی چندین ساعته هواداران، بزرگترین توهين به اصل فوتبال بود، فوتبالي که صدور کارت براي خبرنگار و عکاسان به‌راحتي نيست و بليت به سختي در اختيار هواداران قرار مي‌گيرد، در فوتبال ايران هيچکس لذت نمي‌برد و براي همين فوتبال‌مان مثل بخش‌هاي ديگر «مصرف داخلي» پيدا کرده است. تفاوت فوتبال ايران و کره را بايد خارج از زمين چمن مي‌ديدید. هيچ اتفاق تازه‌يي براي فوتبال ايران نيافته است، اين نتايج حق هيچکدام از ما نيست و بايد فکري براي «عقب‌ماندگي» فوتبال ايران کنيم...

روزنامه اعتماد

طراحی و پیاده سازی نرم افزار : شرکت ارتباطات نوین فرانام